

قرن بیست و یکم، رنسانس زنانه یا واپس‌گرایی؟

مریم حسین خواه

«قرن بیست و یکم، رنسانس زنانه یا واپس‌گرایی؟» محور بحث‌های ارائه‌شده در بیست و هشتمین کنفرانس **بنیاد پژوهش‌های زنان ایران** بود که از نهم تا یازدهم ژوئن در فلورانس ایتالیا برگزار شد. این بنیاد امسال **شهلا شفیق**، نویسنده، پژوهشگر، و فعال حقوق زنان، را به عنوان «زن برگزیده‌ی سال» انتخاب کرد.

انتخاب شهلا شفیق به عنوان «زن برگزیده‌ی سال» از رویدادهای مهم بیست و هشتمین کنفرانس «بنیاد پژوهش‌های زنان ایران» در فلورانس ایتالیا بود. **فرزانه میلانی**، پژوهشگر و مدرس ادبیات فارسی و مطالعات زنان در دانشگاه ویرجینیای آمریکا، معرفی شهلا شفیق و کارنامه‌ی او در حوزه‌های مختلف را بر عهده داشت. او با اشاره به اهدای نشان لژیون دونور فرانسه به شهلا شفیق، به پاس سال‌ها خدمت در زمینه‌ی ترویج برابری، و همچنین اهدای جایزه‌ی کنشگری مدنی برای حمایت از زنان مهاجر و مبارزه با خشونت و تبعیض، کتاب‌ها و پژوهش‌های منتشرشده‌ی وی را مورد بررسی قرار داد. به گفته‌ی فرزانه میلانی، «شهلا شفیق درد غربت را تجربه کرده اما هرگز اجازه نداده تجربه‌ی غربت به سرنوشتی محتمل یا مرثیه‌ای برای جدایی از وطن تبدیل شود. دوری از دیار را به مرزیایی و تابوشکنی گره زده و به دریافتی میان‌فرهنگی رسیده است.»

پخش فیلم کوتاهی که در معرفی زندگی و فعالیت‌های شهلا شفیق ساخته شده بود، بخش دیگری از برنامه‌های کنفرانس امسال بود. این فیلم که بر اساس متنی از شهلا شفیق و با استفاده از صدای خود او در پس‌زمینه‌ی تصاویر ساخته شده، روایتی از زندگی و تجربیات این فعال حقوق زنان، جامعه‌شناس، و داستان‌نویس بود. این روایت علاوه بر معرفی او، راه سخت و پرفراز و نشیب زن جوانی را نشان می‌داد که، به عنوان یک فعال سیاسی، از سرکوب و اختناق کشورش فرار می‌کند و پس از به دوش کشیدن سنگینی بارِ اندوه سرکوب و اعدام همفکران و هم‌زمانش، با پناه بردن به پژوهش و ادبیات، زندگی دوباره‌ای را از خاکستر آنچه دود شده بود، می‌سازد.

جنبش زنان ایران و پرسش‌هایی درباره‌ی سکولاریسم و تعامل با دولت

در اولین میزگرد کنفرانس امسال که از سوی کاوه کرمانشاهی، از کنشگران فعال در برلین اداره شد، **نوشین کشاورزینا**، کارشناس ارشد مطالعات زنان از دانشگاه علامه طباطبایی تهران و فعال حقوق زنان که از ایران آمده

بود، «نقش جامعه‌ی زنان در مبارزه با بنیادگرایی با تأکید بر تعامل با دفاتر مربوط به امور زنان در دولت‌ها» را بررسی کرد. [آزاده دواجی](#)، پژوهشگر و دانشجوی مقطع دکترا در استرالیا، نیز در این میزگرد به تشریح این سؤال پرداخت که «چرا جنبش زنان ایران به تقویت گفتمان سکولاریسم نیازمند است؟»

نوشین کشاورز نیا پس از مرور سیر تاریخی دوره‌های مختلف تعامل دولت و فعالان جنبش زنان، یکی از آخرین تجربه‌های این تعامل دوسویه را شرح داد و گفت: «پس از آن که شهین مولاوردی معاونت زنان ریاست جمهوری را بر عهده گرفت، در سال‌های اخیر گروه داوطلبی به نام ایده‌پردازان که شماری از فعالان مدنی {مستقل} زن هم در میان آن‌ها بود، تشکیل شد. هدف از تشکیل این گروه این بود که ضمن ایجاد ارتباط بین فعالان زن و معاونت زنان ریاست جمهوری، مطالبات زنان مطرح شود و در یک ارتباط مؤثر ایده‌ها و پیشنهادهای برای انجام یک سری برنامه‌ها، خصوصاً در مناسبت‌ها و فرصت‌های رسمی داده شود. این گروه در حد مشاوره بود و معاونت می‌توانست نظراتش را بپذیرد یا رد کند، و بر اساس معرفی و آشنایی هم شکل گرفته بود و این طور نبود که جمع بزرگی از کنشگران دعوت شوند و عده‌ی قابل توجهی از فعالان هم از آن خبر نداشتند. با همه‌ی این‌ها، شکل گرفتن این جمع می‌توانست نشانه‌ای از تلاش برای برداشتن دیوار بی‌اعتمادی بین فعالان زن و دولت باشد. جلسات آن‌طور که انتظار می‌رفت خوب پیش نرفت و با بازداشت هم‌هودفر، که در یکی از این جلسات برای آشنایی و تبادل اطلاعات حضور داشت، این جمع از هم پاشیده شد. تعداد زیادی از اعضای گروه ایده‌پردازان از سوی اطلاعات سپاه احضار و بازجویی شدند، و فشارهای زیادی به معاونت زنان ریاست جمهوری وارد شد، و سناریوهای امنیتی مبنی بر "نفوذ فمینیست‌ها به معاونت زنان ریاست جمهوری" نوشته شد. در نهایت، این گروه بدون این که کار مشخصی را پیش‌ببرد منحل شد.»

او اضافه کرد: «تا زمانی که فعالیت آزادانه‌ی مدنی بی‌معنا است و فعال مدنی مهر جاسوس و برانداز می‌خورد، تعامل با مراکز دولتی هم سخت می‌شود و در واقع در چنین شرایطی نه دولت رغبتی به تعامل با فعالان مدنی دارد و نه فعالان مدنی حاضر اند که این خطر را به جان بخرند.»

عقب‌گرد فمینیستی، ثمره حملات مردسالارانه با سلاح‌های پوپولیسم، نتولیرالیسم و بنیادگرایی

در ادامه‌ی این کنفرانس، [مهسا عبدالله زاده](#)، دانشجوی دکترای علوم سیاسی در دانشگاه وین و عضو فعال حزب سبز اتریش، در رابطه با «رشد بنیادگرایی، پوپولیسم، و نتولیرالیسم در سطح جهانی و مقایسه عملکردهای جنبش‌های زنان در مقابله با آن» سخنرانی کرد. او با اشاره به این که عقب‌گرد فمینیستی در سال‌های اخیر ثمره‌ی حملات مردسالارانه با سلاح‌هایی همچون پوپولیسم، نتولیرالیسم، و بنیادگرایی به حقوق زنان است، گفت: «شدت این حملات گاهی این قدر زیاد بود که نه تنها این عقب‌گرد در میان مردم و سیاست‌مداران و قدرت‌طلبان صورت گرفت بلکه حتی برخی از اندیشمندان و شبه‌روشنفکران نیز آلوده‌ی این بازگشت به عقب شدند.»

این کنشگر حقوق زنان راهپیمایی ۲۱ مارس زنان در آمریکا، در اعتراض به رفتار و گفتار ضدزن ترامپ در دوران کارزار انتخاباتی‌اش، را به عنوان یک نمونه از این رفتار مثال زد و ادامه داد: «اگر ما به راهپیمایی زنان در ۲۱ مارس نگاهی دقیق‌تر بیاندازیم، در کنار پلاکاردهای گوناگون با شعارهای فکاهی و یا جدی، به پوستر یک زن محجبه هم بر می‌خوریم که، به نشانه‌ی همبستگی با مسلمانان ساکن آمریکا، پرچم آمریکا را بر سر کرده است. سؤالی که در این میان مطرح می‌شود این است که چگونه حجاب، که سمبل سیاسی و اجتماعی تحقیر زنان در کشورهای اسلامی از آسیا تا آفریقا محسوب می‌شود، در یک راهپیمایی طرفداران حقوق زن، جایگاه خشونت‌آمیز خود بر زنان را نه تنها از دست می‌دهد، بلکه حتی معنایی جدید برای همبستگی با حقوق پایمال‌شده‌ی زنان مهاجر در کشورهای اروپایی و آمریکایی پیدا می‌کند. این در حالی است که هویت فردی زنان را نباید بر اساس مذهب غالب در جامعه‌ای که آن‌ها از آن آمده‌اند تعریف کرد. زمانی که برگزارکنندگان این راهپیمایی، برای مقابله با افکار نژادپرستانه و اعمال خارجی‌ستیز ترامپ و طرفدارانش، پرچم آمریکا را بر سر یک زن می‌کنند تا با زنان مسلمان اعلام همبستگی کرده باشند، باید توجه داشت که نباید برای مقابله با پوپولیسم راست‌گرای غربی و شوونیسم ضدمسلمان آن‌ها، از ابزارهای تحقیر زنان در رژیم‌های راست‌گرای شرقی استفاده کرد.»

افسانه بهشتی‌زاده، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات در دانشگاه علوم و تحقیقات ایران و از تلاشگران کارزارهای اعتراضی در حوزه‌ی زنان گُرد، دیگر سخنران این کنفرانس از ایران بود که در رابطه با «نقش و موقعیت زنان در دوران نظامی‌گری و جنگ (مطالعه‌ی موردی روژاوا)» سخنرانی کرد. او با تأمل بر حضور زنان در جنگ، به بررسی جنبش زنان در روژاوا و شرح نقطه نظرات و انتقادات مطرح از این حرکت پرداخت و گفت: «جنبش روژاوا با همه‌ی ویژگی‌های منحصر به فردش، تجربه‌ی بدیلی را به نمایش می‌گذارد اما جنبش مرفقی‌ای نیست چون با توجه به عدم به رسمیت شناختن تراجنسی‌ها نمی‌توان آن را یک جنبش مرفقی دانست، و جنبشی که هنوز درگیر تقسیم جنسیتی زن و مرد بماند جنبش مرفقی نخواهد بود.»

سخنرانی سرور صاحبی، از بنیان‌گذاران «لاروزا» (مکانی برای ارتباط زنان از ملیت‌های گوناگون) درباره‌ی «جایگاه پیکر و تن در زیبایی‌شناسی و هنر نقاشی فمینیستی» و عصمت صوفیه، مدرس در کالج دانشگاه نورژ، درباره‌ی «سیری بر نظامی‌گری زنان و موقعیت آن‌ها در جنبش‌های اخیر خاورمیانه، تفاوت‌ها و اشتراکات» از دیگر برنامه‌های این کنفرانس بود.

پروانه حسینی، مدرس کلاس‌های فرهنگ خاورمیانه، زبان فارسی، و انسان‌شناسی در دانشگاه آریزونای آمریکا، و غزال مرادی، روزنامه‌نگاری که از ایران برای حضور در این کنفرانس مقاله داده بود، به دلیل داده نشدن ویزا به آن‌ها، از طریق اسکایپ به ایراد سخنرانی پرداختند و در رابطه با «گسترش مد اسلامی در جهان و ارتباط آن با

مدل‌های پوشش اسلامی زنان در ایران: اختیار یا اجبار» و «تأثیر قدرت و سنت و مخالفت در برابر کلیشه‌های جنسیتی بر سانسور بدن زن در آثار هنری» صحبت کردند.

در روز اول این کنفرانس نیز به سنت هر ساله، ماریزا نیکی، از فعالان جنبش فمینیستی ایتالیا، سارا فونارو، نایب رئیس مؤسسه‌ی ارائه‌ی خدمات شهروندی به عنوان فعالان زن محلی، سخنرانی کردند. سارا فونارو، به نمایندگی از شهردار فلورانس به شرکت‌کنندگان در این کنفرانس خوش‌آمد گفت. او با ابراز خوشحالی از این که در این کنفرانس زنانی شرکت کرده‌اند که برای حقوق خود مبارزه می‌کنند و صدای خود را برای آزادی بیان بلند می‌کنند، اظهار امیدواری کرد که این صدا بتواند از این سالن بیرون بیاید و در خیابان‌ها هم به گوش برسد. ثریا ملک، تلاشگر حقوق و توانمندسازی زنان افغانستان، نیز از دیگر سخنرانان این کنفرانس بود که به رسم هر ساله به مسائل زنان در افغانستان و تلاش‌های آنان پرداخت.

همچنین، «ایران آکادمیا» و «ماچولند»، با پخش تصاویری زنده از سخنرانی‌ها در شبکه‌های اجتماعی و تولید ویدئوهایی کوتاه درباره‌ی حاشیه‌های این کنفرانس، همزمان با برگزاری این برنامه در فلورانس، سایر علاقه‌مندان به مباحث مطرح‌شده را در ارتباط با کنفرانس و شرکت‌کنندگان آن گذاشتند. (برای آشنایی بیشتر با حال و هوای کنفرانس [این‌جا](#) را ببینید.)

کنفرانس‌های «بنیاد پژوهش‌های زنان»، پلی برای ارتباط فعالان زن

«بنیاد پژوهش‌های زنان ایران» از سال ۱۹۹۰ تاکنون، اقدام به برگزاری کنفرانس‌های سالانه کرده است. این کنفرانس‌ها هر سال در یکی از کشورهای جهان برگزار می‌شود و کمیته‌ی محلی‌ای متشکل از فعالان زن در آن کشور، با همکاری بنیاد پژوهش‌ها که ریاست آن را گلناز امین بر عهده دارد، برگزار می‌شود. محل برگزاری کنفرانس‌ها در انتهای هر کنفرانس و بنا بر پیشنهادات رسیده از سوی فعالان کشورهای مختلف تعیین می‌شود، و محور اصلی کنفرانس که فراخوان مقالات بر اساس آن داده می‌شود، چند ماه بعد از سوی کمیته‌ی محلی به اطلاع عموم می‌رسد. امسال کمیته‌ای متشکل از چهار تن از فعالان با سابقه‌ی حقوق زنان در اروپا، به همراه گلناز امین، در بخش علمی کنفرانس و انتخاب مقالات در کنار کمیته‌ی محلی بودند و قرار شد این شیوه‌ی جدید در دوره‌هایی که کمیته‌ی محلی تجربه‌ی کمتری در برگزاری چنین کنفرانس‌هایی دارد، تکرار شود.

این کنفرانس‌های سالانه برای هزینه‌ی برگزاری خود از هیچ دولت و ارگان دولتی کمک نمی‌گیرد و هزینه‌های کنفرانس از طریق وجه ثبت‌نام شرکت‌کنندگان، کمک‌های شخصی فعالان زن، و همچنین حمایت نهادهای غیردولتی تأمین می‌شود. شرکت در این کنفرانس برای عموم آزاد است و اغلب شرکت‌کنندگان در آن فعالان زنی

هستند که در دهه‌های اخیر مجبور به ترک ایران شده‌اند. علاوه بر حضور چندین سخنران از ایران در تمامی دوره‌ها، این کنفرانس‌ها فرصتی برای تبادل نظر بین فعالان حقوق زنان در ایران و خارج از کشور را فراهم می‌آورد. «بنیاد پژوهش‌های زنان ایران» سازمانی است غیرانتفاعی که به هیچ گروه و سازمان سیاسی و مذهبی وابستگی ندارد، و چنان که در اساس‌نامه‌اش آمده: «این بنیاد فعالیت‌های گوناگون زنان ایرانی را در بر می‌گیرد، و شبکه‌ی ارتباطی گسترده‌ای بین گروه‌های زنان ایرانی در سراسر جهان به وجود آورده است. از آن‌جا که تاریخ ایران بیشتر بیانگر شرح حال، رشادت‌ها، و پیروزی‌های مردان است، بنیاد کوشش می‌کند از طریق چاپ نشریات و حفظ و اشاعه‌ی آثار زنان ایران، دیدگاه متفاوتی با گذشته‌ی تاریخی ایران را ارائه دهد.»